

دیدگاه‌های ایران شناسی در نخستین همایش ملی ایران شناسی

علی اکبر حاج مؤمنی

تالار خواجه نصیرالدین طوسی مرکز
همایش‌های بین‌المللی سازمان صدا و
سیمای جمهوری اسلامی میزبان جلسه
افتتاحیه نخستین همایش ملی ایران‌شناسی
بود.

آقایان دکتر حسن حبیبی (رئیس)، دکتر
محقق داماد، دکتر تهرانی‌زاده (دو نائب
رئیس) و دو تن از استادان: محمد جان
شکوری (از جمهوری تاجیکستان) و اکرم
شاه (از پاکستان) اعضای هیأت رئیسه این
همایش را تشکیل می‌دادند.

مراسم افتتاحیه با بیانات جناب آقای
خاتمی رئیس جمهوری اسلامی ایران آغاز
شد. پس از پایان سخنرانی، جلسه بررسی
مسائل عمومی ایران‌شناسی تحت ریاست
آقایان: هورکاد (از فرانسه) دکتر حبیبی (از
ایران) دکتر سرکاراتی (از ایران) دکتر حداد

عسادل (از ایران) و دکتر عابدی (از
هندوستان) آغاز به کار کرد.

گروه‌های ده‌گانه همایش طی دوازده
نشست تا روز پنجشنبه سی خرداد ۸۱
فعالیت خود را در گروه‌های ادبیات ایران،
اقتصاد ایران، تاریخ و جغرافیای تاریخی،
زبان و زبان‌شناسی، سیاست و مدیریت و
روابط بین‌المللی ایران، کتابشناسی و
نسخه‌شناسی، مردم‌شناسی و فرهنگ عامه
مسائل عمومی ایران‌شناسی، معارف و
علوم اسلامی، تاریخ علم، تعلیم و تربیت
در ایران و هنر و باستان‌شناسی ادامه دادند.
جلسه اختتامیه همایش نیز در تالار گلپانگ
واقع در حافظیه سعدآباد به ریاست آقایان
دکتر حسن حبیبی (رئیس)، دکتر
تهرانی‌زاده (دبیر) گنجی، ناجی تخماق،
ایوانف و خانم قریب برگزار شد.

در مراسم افتتاحیه دکتر محسن
تهرانی‌زاده دبیر اجرایی همایش اهداف و
سیاست‌های همایش را تعیین قلمرو
ایران‌شناسی با تبادل افکار و اطلاعات
استادان و محققان، ایجاد فضای نقد و
تحلیل آرا و نظریه‌های ایران‌شناسی، تعیین
اولویت‌های تحقیقاتی و معرفی زمینه‌های
مطالعاتی و پژوهشی ایران‌شناسی، بررسی
موانع و مشکلات تحقیقات ایران‌شناسی در
داخل و خارج کشور، برقراری ارتباط
مستمر میان اندیشمندان و پژوهشگران
حوزه ایران‌شناسی، ایجاد کانونی برای ادامه
آخرین دستاوردها و مطالعات ایران‌شناسی
اعلام کرد و افزود: در این همایش دو
میزگرد با عناوین: بررسی برخی از مسائل
مربوط به توسعه نظام‌یافته ایران‌شناسی و
سازوکار مطالعات و تحقیقات ایران‌شناسی
در کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند.

جناب آقای خاتمی رئیس جمهوری
اسلامی ایران و رئیس شورای عالی انقلاب
فرهنگی به عنوان سخنران مراسم گفت:
آنان که زاده و پرورده ایران‌اند، در وطن
خویش‌اند و آنان هم که از راه دور و با
دشواریهای سفر در این کنگره شرکت
جسته‌اند، ایران را وطن دوم خود می‌دانند.
برای من به عنوان یک شهروند ایرانی،
سخن گفتن در میان کسانی که به سرزمین،

تاریخ و فرهنگ ایران می‌اندیشند دل‌انگیز
و انگیزه‌بخش است، چون موضوع و مهر
مشترکی در میان است. اگر شما هم از میان
همه رشته‌های علمی و شاخه‌های
پژوهشی که قطعاً برخی از آنها در دنیای
مادی ما، آوازه و جاذبه بیشتری نیز دارند،
حوزه ایران‌شناسی را برگزیده‌اید، لابد به
این دلیل بوده است که از کودکی یا جوانی
کششی - که شاید علتش هم بر خود شما
پوشیده بوده است - به سوی این سرزمین،
این تاریخ و این فرهنگ احساس
می‌کرده‌اید.

این کشش در مورد ایرانیان طبیعی
است، اما در مورد غیرایرانیان هم بی‌دلیل
نیست. نام ایران از دیرباز، به خصوص برای
مردم غرب با نوعی رمز و راز همراه بوده
است. این سرزمین از دیرباز برای مردم
یونان و روم باستان چهره دوگانه‌ای را عرضه
می‌کرده است: از یک سو، قدرت بزرگ
نظامی و سیاسی دوران خویش بوده است
و از سوی دیگر، مظهر فرهنگی که از
بسیاری جهات با فرهنگ یونانی و رومی
تفاوت داشته است.

آقای خاتمی در بخش دیگری از
سخنانش افزود: شاید بتوان گفت امروز
ایران‌شناسان، پی‌گیرنده راه همان
جهانگردان قدیم‌اند. هرچند بسیاری از شما
به ضرورت کار علمی خود، ایران را در میان
کتابها، مقاله‌ها و گزارشها جست‌وجو
می‌کنید و می‌یابید تا با گام‌زدن در
کوچه‌های تبریز و اصفهان و شیراز و
مشهد، اما به واقع در میان شما کیست که
کار خود را با یک هجرت جسمانی از وطن
و نیز با یک هجرت معنوی از وطن
فرهنگی خود آغاز نکرده باشد؟ بسیاری از
شما سالهایی از عمر خود را در ایران سپری
کرده‌اید و حتی آنگاه که از این سرزمین
دورید، برای فهم آنچه در تاریخ و فرهنگ
گذشته و حال آن رخ داده است و می‌دهد،
چه بسا خود را ناگزیر می‌بینید که از
فرهنگی که در آن به سر می‌برید و به آن
تعلق دارید، فاصله بگیرید. گاه هم مثل
گیاه‌شناسانی که مدتی طولانی در
آزمایشگاه یا در میان کتابها غرق در

پژوهشهای انتزاعی بوده است، حس می‌کنید که باید سری به باغچه یا باغی بزنید و مشام خود را به جای فرمولها و تصاویر رده‌بندیهای انتزاعی، از بوی گلهای زنده و شاداب تازه کنید. من از برگزارکنندگان این کنگره متشکرم که برای شما این امکان را فراهم آورده‌اند که چند روزی را در این بوستان بزرگ و پرگل که «ایران» نام دارد، بگذرانید. ایران‌شناسی بدون دوست داشتن ایران، بدون شناخت عینی آن و حتی زندگی در ایران ممکن نیست، زیرا ایران یک امر انتزاعی نیست، واقعی است که با زندگی و کار مردمانی که در درون مرزهای جغرافیایی و تاریخی و زبانی و تمدنی ایران زیسته‌اند ساخته شده است، و همچنان که همه می‌دانیم، این مرزها همواره بر هم منطبق نبوده‌اند.

رئیس جمهوری گفت: همت ایران‌شناسان است که بخش مهمی از سرگذشت دوران پیش از تاریخ و دوران پیش از اسلام و دوران اسلامی این سرزمین برای ما روشن شده است و پیوستگی‌ای که ما اکنون بین خود و گذشته حس می‌کنیم، تا اندازه زیادی به اعتبار کار و کوشش ایران‌شناسان حاصل شده است. نسبت میان «ایران امروز» به عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک با «ایران تاریخی»، که بخشهای بزرگی از آن امروزه خارج از مرزهای جغرافیایی ایران قرار دارد، نسبتی پیچیده است؛ به این سبب روشن کردن این نسبت نه تنها درک ما را از گذشته وسعت می‌دهد، بلکه بر فهم ما از تحولات امروزی نیز می‌افزاید.

حلقه پیوند میان این دو مفهوم از ایران، فرهنگ مشترکی است که دو رکن استوار دارد: «دین اسلام» و «زبان و ادب فارسی». این دو رکن نه تنها اسباب قوام هویت کنونی ما هستند، بلکه ما را به گذشته تاریخی‌مان نیز پیوند می‌دهند. از این گذشته، این دو حلقه اتصال، ما را به اجزای دیگر هویت تمدنی‌مان پیوند می‌دهند که در آن با بسیاری از مردمانی که خارج از مرزهای جغرافیایی و تاریخی ایران زندگی می‌کنند، اشتراک داریم. به همان صورت که اسلام یکی از ارکان

اصلی هویت ایرانی است، سهم ایرانیان نیز در تأسیس و قوام یافتن تمدن اسلامی و حتی در سامان یافتن زبانها و فرهنگهایی که در میان اقوام و ملل متعلق به این تمدن، رایج است، انکارناپذیر است. به عبارت دیگر، هر جا که اسلام و فرهنگ اسلامی هست، ایران هم در آنجا حضور دارد. ایرانیان، در بخش مهمی از تاریخ خود، زبان عربی را به عنوان یکی از دو زبان علمی خود پذیرفته‌اند و از طریق آناری که به این زبان خلق کرده‌اند، حضور و تأثیر خود را در سراسر قلمرو پهناور تمدن اسلامی اعلام داشته و تثبیت نموده‌اند. از طریق این زبان مشترک، در طول چندین قرن مردمی که در بخش مهمی از دنیای آن زمان زندگی می‌کرده‌اند، با یکدیگر همدلی یافته‌اند و فرهنگ مشترکی را بنا کرده‌اند که هنوز در زمان ما زنده و پویاست.

رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دیگری از سخنانش افزود: گفت‌وگوی میان تمدنهای بین‌النهرین و یونان و هند و چین در دوران پیش از اسلام، شرکت فعال و بی‌مانند ایرانیان در تکوین تمدن اسلامی و از این طریق دادن صورت جدیدی به خود تمدن ایرانی، ورود فلسفه به جهان اسلام و نقش ایرانیان در تأسیس و بسط فلسفه اسلامی، نقش ایرانیان در توانا کردن زبان عربی برای بیان مضامین پیچیده علمی و فلسفی، تعامل میان زبان فارسی و فرهنگهای شبه قاره و آسیای مرکزی و قفقاز و آسیای صغیر در فضای فرهنگی ایران صفوی و هند گورکانی و ترکیه عثمانی و بالاخره آشنایی ایرانیان یا فرهنگ و تمدن غربی و کوششهایی که برای سازگار کردن این فرهنگ با مقتضیات تمدن ایرانی به عمل می‌آید، همه نمونه‌هایی از این گفت‌وگوست.

تمدن ایرانی و تمدن اسلامی با وجود گشودگی بر روی جریانهای مختلف، هیچگاه تمدنی التقاطی نبوده است، بلکه همواره خصلت انتخاب‌گرانه و ترکیبی داشته است. اما این خصلت ترکیبی چنان نبوده است که تفاوت‌های میان خرده فرهنگهایی را که در داخل این تمدن زندگی

می‌کرده‌اند انکار کند یا در صدد محو این تفاوتها باشد. وجود تکثر در درون یک فرهنگ و تمدن مشترک که زبان مشترکی در سطوح عاطفی و عقلی و اعتقادی و رفتاری برای ارتباط میان این فرهنگها فراهم می‌آورد، ویژگی سوم تمدن ایرانی است.

آقای خاتمی در بخش پایانی سخنانش گفت: به نظر من ایران‌شناسی، اگر مبانی نظری آن مورد تأمل بیشتر قرار گیرد - که می‌دانم چنین شده است - علاوه بر آثار خجسته‌ای که در جهت شناخت زوایای مختلف فرهنگ و تمدن ایرانی دارد، می‌تواند یکی از برجسته‌ترین جلوه‌های گفت‌وگوی میان تمدنها در بالاترین و عملی‌ترین سطوح علمی و نظری باشد.

ما نیاز به شناخت جامع، واقعی و به دور از حب و بغض خود و دیگری داریم، از این رو باید هم نگاه از بیرون و هم از درون را، به سوی خویش و دیگری بگشاییم. ایران، سرزمین خوبی‌هاست و دنیای خداوند از مردمان خوب و متفکران واقع‌بین خالی نیست.

ایران‌شناسی، روزنه‌ای گشوده به سوی شنیدن، شناختن و گفتن است. این روزنه را باید با رویکردی تازه و سامان‌دهی تازه گشوده‌تر کنیم. من در این راه به نشست ارزنده شما و به همت بنیاد ایران‌شناسی و دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور و اندیشه و عزم بلند ایران‌شناسان ارجمند در سراسر جهان امید فراوان داریم.

امیدوارم مجلس آکنده از معرفت امروز که به همت جناب آقای دکتر حبیبی و همکاران بافضیلت ایشان در «بنیاد ایران‌شناسی» شکل گرفته است، بتواند در ساماندهی این امر مهم مؤثر واقع شود.

ما به آن مقصد اعلی‌توانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

پیش از بیانات رئیس جمهوری اسلامی ایران دکتر حسن حبیبی رئیس نخستین همایش ملی ایران‌شناسی و رئیس بنیاد ایران‌شناسی سخنرانی کرد. دکتر حبیبی گفت: کلاه گوشه «بنیاد ایران‌شناسی» به آفتاب رسیده است و خداوند دانا و توانا و آفریدگار جهان و جهانیان را سپاسگزار است

که توفیق را رفیق کرد تا بتواند این محفل شایسته و بایسته علمی و ادبی و تحقیقی را برپا کند. مقدم رئیس گرانقدر، فرهیخته و اندیشمند جمهوری اسلامی ایران و همه استادان و دانشمندان و فرهیختگان گرامی باد.

از آنجا که گوینده این کلمات به جد مشتاق آن است که با سخنان رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران این همایش به طور رسمی گشایش یابد، با اجازه همگان سخن را کوتاه می‌کند و آنچه را درباره برپایی این همایش و جهت‌گیری آینده «بنیاد ایران‌شناسی» بایش گفت، به ادامه همین جلسه وامی‌گذارد، که بحث درباره «مسائل عمومی ایران‌شناسی» را در دستور دارد و با قرائت یک قطعه شعر در مقام نیایش، گفتار خود را به پایان می‌برد تا بهره‌گیری از نظرات رئیس گرانقدر جمهوری اسلامی ایران هرچه زودتر میسر گردد.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی سخنرانی خود را به صورت شعر با مضمون نیایش ایراد کرد و گفت:

نیایش

خدایا به خورشید گیتی فروز
به پرتو فشانیش در نیمروز
به ماه و به بازگیرهای ماه
که تاریک و روشن کند بزمگاه
به صبح درخشان که آرد امید
زدل تیرگیها کند ناپدید
«خدایا نگه دار این مهر شهر
ز اهریمنان و از آسیب دهر»
«کله گوشه‌اش را به خورشید سای
به شادان دلش شادی جان فزای»
سپس سرخوش از لطف پروردگار
کنم رو به ایران پرافتخار
«ایا گاهوار عزیزان من
تو ای ایزدی سرز، ایران من»
«جهان تا جهان است آباد باش»
«برو بوم مردان آزاد باش»

رئیس‌نخستین همایش ملی ایران‌شناسی سخنرانی دیگری نیز با عنوان توسعه نظام‌یافته ایران‌شناسی در آینده و چند پرسش اساسی درباره آن در جلسه بررسی مسائل عمومی ایران‌شناسی ایراد کرد و موقعیت ایران‌شناسی را در شرایط کنونی

مورد ارزیابی قرار داد.

دکتر برنارد هورکارد مدیر پژوهش در CNRS و مدیر گروه تحقیق دنیای ایرانی در پاریس سخنران جلسه بررسی مسائل عمومی ایران‌شناسی بود. وی در سخنرانی خود با عنوان: روز آغاز ایران‌شناسی در قرن بیستم و یکم با تأکید بر اینکه فرهنگ ایرانی فرهنگی استثنایی است گفت: این فرهنگ، یکپارچگی و وحدت خود را طی چندین هزاره حفظ کرده و در همان حال تنوع خود را از دست نداده است. گنجینه‌های زبان و ادبیات فارسی نه تنها تمامی مردمان دنیای ایران را، که مردم افغانستان و تاجیکستان را گرد هم آورده است. فرهنگ ایرانی به زبان فارسی محدود نمی‌شود، بلکه با زبانها و فرهنگهای کرد، بلوچ، آذری، پشتو و دیگر فرهنگهای سازنده دنیای ایرانی، غنای بیشتری می‌یابد. به این نوع در دل وحدت، باید میراثهای تمدن ایران را افزود که همچنان از سمرقند تا قفقاز، از شمال هند تا سارایوو، زنده و پویا هستند.

امروزه فرهنگ ایرانی دستخوش تجدید حیاتی است که در سراسر دنیا به آن اذعان دارند. ادبیات فارسی بیش از همیشه، خلاق است، سینمای ایران برنده معتبرترین جایزه‌ها می‌شود و جامعه ایرانی شاهد تحرک و پویایی‌ای است که با وجود ایجاد مسائل بسیار، ایران را در میان کشورهای قرار می‌دهد که همراه چین، اروپا، آمریکا یا آفریقا تمدن قرن بیست و یکم را می‌سازند و از نزدیک، مشاهده و تحسین این تمدن، امتیاز و افتخاری بزرگ است. اما امتیازی بزرگتر آن که، آموزشی این فرهنگ بزرگ و انجام پژوهش در آن زمینه حرفه فرد باشد. وی افزود: در بسیاری از کشورهای جهان، مؤسسات علمی و دانشگاهی ایران‌شناسی وجود دارد. سه سال پیش‌تر، در پاریس چهارمین کنفرانس اروپایی مطالعات ایرانی را شخصاً برگزار کردم. البته، در تمام دانشگاههای ایران، فرهنگ ایرانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، اما ایجاد «بنیاد ایران‌شناسی» و تشکیل این کنگره به طور حتم و یقین، نقطه عطفی است در توسعه ایران‌شناسی نوین که سرانجام در

آن، ایرانی‌ها در جایگاه به حق خود قرار دارند. در این مورد مطمئناً همکاران خارجی‌ام با من هم صدایند که از همکاری با ایشان برای خدمت به فرهنگ ایرانی به خود می‌بالیم و نیز از آقای دکتر حسن حبیبی و تمامی مبتکران این مرحله نوین در مطالعات ایرانی سپاسگزاریم. شاید که امروز، روز آغاز ایران‌شناسی در قرن بیست‌ویکم باشد.

دکتر بهمن سرکارانی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی از دیگر سخنرانان این همایش بود. وی سخنرانی خود را با عنوان «برای شناخت ایران چه باید کرد؟» آغاز کرد و گفت: به عقیده من نخستین، ناگزیرترین و بدیهی‌ترین شرط لازم برای شناخت ایران دوست داشتن ایران است.

دکتر غلامعلی حداد عادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز سخنرانی خود را با عنوان «گنج شایان زبان فارسی و فرهنگستان زبان و ادب فارسی و وظایف آن» آغاز کرد.

وی پاسبانی از درخت گشن بیخ پُر شاخ و برگ و نگاهبانی زبان فارسی را در برابر اهره و جفای تبر وظیفه همه ایرانیان و تکلیف جمهوری اسلامی ایران دانست و گفت: در این روزگار که تندباد جهانی شدن که از غرب می‌وزد می‌خواهد همه سامان همه فرهنگهای کهن و گرانمایه جهان را فرو ریزد و درخت کهن زبان فارسی را نیز همچون دهها درخت کهن دیگر بشکند و از پا دراندازد.

روح ایرانی در جسم هندی عنوان سخنرانی دکتر عابدی استاد دانشگاه دهلی هندوستان بود. دکتر قران احمد بیگف از جمهوری ازبکستان، دکتر ناجی تخماق از ترکیه، دکتر ایوانف از روسیه، دکتر صفر عبدالله از جمهوری قزاقستان، دکتر مهدی محقق از ایران از دیگر سخنرانان همایش ملی ایران‌شناسی بودند.

در پایان همایش ملی ایران‌شناسی شرکت‌کنندگان بیانیه‌ای در نوزده ماده صادر کردند که در آن به ضرورت استمرار مطالعات و تحقیقات ایران‌شناسی و تلاش برای تحکیم هویت ملی ایرانیان تأکید شده است.